نیایش ها

برگردان فارسی پنج نیایش اوستایی

هاشم رضی



سازمان انتشارات فروهر



چاپ رشدیه

چاپ دوم این کتاب در پائیز ۱۳۵۸ با سرمایه جاویدان
توسط سازمان انتشارات فروهر به پایان رسید .ــ

فهرست مطالب

درخرده اوستا ، کوشش وتلاش هیربدان وموبدان برآن بود تا برپایهٔ روشهای دیرپای و نوشته های باستان سرودهایی برای‌نیایش گرد آورند .

نمازها ، سرود های نیایش وآیین های برگزاری جشن‌ها ، بدین سان فراهم شد . دراین میان پنج نیایش برجستگی‌وپایگاه ویژه‌یی یافتند ، ـ چون برگردانی بودند

پررونق از روح ایرانی . درپنج‌گاه روز ، شیفتگان این آیین ، یابهتر بگوییم‌دل باختگان این شیوه اندیشه ، خداوند را - «اهورامزدا»را، دردرون زیبایی‌هایش ، بازبان دیرپای اوستا می‌ستودند.

این سرودها از دل نیایش گوان برمی‌خاست . نماز خداوندگار - مزدا اهورا بود ، - وستایش آفریده‌ها ودهش های زندگی ساز وشادمانی آفرینش .

پیش‌از این ، نیایش‌ها بدین‌گونه که اکنون‌فرادست داریم ، دستاوردمان نبود . وجود داشت ودر سرودها به استواری پیراسته بود . ودستی می‌بایست تابادست چینی ، برای نیایش هایی آراسته‌شان گرداند.

نیایش‌ها وسرود هایی که برداشت دین و آیین را از دیدگاه پارسیان بنمایاند . سرود هایی که شادی نوازی، بزرگداشت زندگی ، گرایش به پرستش درست اهورامزدا را درآیین‌زرتشتی بازگوید.

مهر تابندهٔ روشنی‌گروگرم‌نواز، خورشید شکوه‌آسا ونگین آسمان وزدایندهٔ تاریکی اهریمنی ، آتش‌لعل‌گون ؛ آن دشمن سرسخت اهریمن ، آن کارساز بی‌بدیل زندگی، ماه - رویانگرگیاهان والماس آب گون آسمان - وپیکارگر اهریمن درپهنه‌گاه غبار تاریکی ، - وآب ، پایهٔ زندگی ، رود پیرایش دهندهٔ زمین ، دادهٔ اهورایی برای پایداری و

شادمانی - این‌ها ودیگر آفریده‌ها وداده های اهورامزدا دراین سرودها ستوده شدند.

چون ستودن این‌عناصر نیک‌که آفریدهٔ اهورابودند وهستند ، ستایش اهوراست . زرتشت ، آن بزرگ مرد اندیشمند چه‌نیک دریافت که صوفی منشی و دریوزه‌گری ، ریاضت‌کشی وتن پروری ، پشت‌کردن به شادمانی های زندگی وسود نبردن از زیبایی‌های‌اهورا داده ، نفی‌کردن خداوند وناسپاسی بدوست .

اهورا مزدا زندگی را برای شادزیوی پدیدآورد - وآفریده‌های‌زندگی‌سازو آسایش‌بخش را برای سودجویی وبهره‌بردن مردمان آفرید .

نیایش‌ها نیزکه این‌چنین پدید آمدند، ستایش همهٔ نیکی های زندگی وداده های اهورایی است - نیایش‌ها سرشار از بیانی شاعرانه می‌باشند . فراهم کنندگان‌نیایشها به‌راستی ، راهی نوین گشودند ازبرای نزدیکی به‌خداوند راهی‌که نیایشگر را به خداوند نزدیک‌تر می‌سازد.

آنان‌گرد موهوم‌راه سپری‌نکردند . مفاهیم‌وسخنانی به‌کار زدندکه به راستی نزدیک‌تر بود وهنوز نیز پس از گذران بیش‌از پانزده سده ، دلپذیر واندیشه‌گیراست.

واین‌ها هستند نیایش‌ها ، بیان ستایش آمیزی که برمبنای مفاهیم اوستایی گرد آمده ونوشته ومدون شدند.

وهر پگاه وبامداد ، نیمروز وپس‌از نیمروز ، وآن گاهی که خورشید پس کرانه هـای دوردست آسمان پنهان می‌شود ؛ زرتشتیان نیایش‌هارامی‌سرایند: می‌ستایم مهر راـ که پیمان مندی‌ودوستی‌و دلیری‌را نگهبان است. وخورشید که زرگونِ گرم افزا وگوهر تابناک رخشندهٔ آسمان و پالایشگر زندگی‌است ـ وماه راکه الماس آبگونهٔ پهنه‌های لاجوردگون است ـ وآتش راکه اخگر سرخ فام زندگی است ـ وآب راکه شاهرگ پیوندگر سینهٔ زمین است ـ ،و آن‌اهورا مزدای‌بزرگ جهان آفرین که ویژهٔ‌اوست‌پرستش وبس .

***

پیش گفتار

اوستا این زمان آیینه‌یی است فرا راه‌ما . آیینه‌یی که در آن بنگریم ، وهزاران سال گذشت زمان کارسازمان را در آن ریزه نگار شده بینیم .

اوستای ما ، این آیینهٔ زرگون روشن ، در درازای چهارده سدهٔ واپسین تاریخ ، زنگارگونه وگردآگین شده

باهمهٔ کوشش زنگار زدایان دویست سالهٔ اخیر و کار پردازان چیره دست ، این گوهر رخشان دور دست های بستر زمان ، هنوز تابندگی دیرینه را بازنیافته . اما روشنی ودرخشش آن پنج قارهٔ جهان را فراگرفته .

هنرمندی که کار ابزارش را فرادست می‌نهد وبا نرمش ویژه‌یی به‌کار می‌پردازد تاآن تابندگی ژرفای چنین گوهری را دریابد ، شیداواله می‌شود .شیدای زرینه‌زمانی که مردانش این‌گونه سرودمی گفتند برای زیبایی‌ها ، برای آفریده‌های کارساز زندگی، برای خدایی که این چنین سفرهٔ رنگارنگی را درگروزندگی خوش و شادمانه شان‌گسترده است .

**

همه می‌دانیم که دست بیداد زمان ، چه آسیب‌ها و آشوب هایی که براوستا وارد نکرده است . چون میهمانی در آن‌روزگاران کهن، برخوان بیگانگان آزمندوبی‌شکیب نشسته . چون آموزگاری دربستر پرآشوب زمان ، بربر هارا به‌آدمی گری وفرهنگ کشانده . چون‌گنجی‌پرگوهر تهی دستان آیین ساز تاریخ راوام داده . چون نسیم‌گذران

از گلزار بهاران ، چامه سرایان را الهام بخشیده ، چون دانشمندی خردمند،فلسفهٔ نوخاستهٔ جهان باستان را سیراب ساخته . چون مادری‌مهربان ، خردمندان روزگاررا دردامن پرورش داده .واینك‌چونان پیکرهٔ جهاندیدهٔ‌کهنی،فروزه‌ها وتابش های جوانی و دوستاری و سازندگی نوین را برمی افشاند .

***

دل شکیب و آزاده ، ازبند بستگی تورانیان رهایی یافت . بردوازده هزارپوست آهیختهٔ‌گاو ، به‌آب زرنوشته شد . در دژنپشت شاهی نوازش سان آرمید ودر دل‌هزاران هزار مرد پارسی نگاشته ماند.

آنگاه دست بیداد ورشکین زمان ، از آستین‌درآمد. اهریمن ، کارگزاری ازدیوبچگان را ، درچشم ودل ، آز وشهوت برگماشت . او ، اسکندر گجستك بود . اوستا ، خانه‌اش ویرانه شد . بردگان تازه به دوران رسیدهٔ تاریخ، به‌بردگی ، بدانسوی دریاهایش بردند .

پس خردمندان و گوهرشناسان آن سرزمین؛ ارز و ارج گوهررا دریافتند . تراشش دادند و پیراستندش .

زرگران یونان زمین نشانوارهٔ پارسی بی‌مانندش‌رازدودند و به داغ یونانی‌اش آراستند ودرجهان بدان بالیدند.

در دل‌مردان پارسی سپرده‌بود . گجسنگان‌در آغوش مردمی ساز خاك پارس گم وبی‌نشان شدند . پارسی مردان گرد آمدند وتکه‌ها وپاره های گوهر ربوده شدهٔ اوستارا از سینه‌هاشان بیرون ریختند . پس هنرمندان به ریزه نگاری پرداختند ودگرباراوستارافراهم کردندکه می‌توان سرآغاز درفشداران را بلاش نخست دانست.

***

واین رشته سردراز دارد.

درزمان ساسانیان کوششی‌بسیار به‌کاررفت‌تااوستا چون نخست گردآید . خردمندانی گرد آمدند . هیربدان به‌کوشش پرداختند . شاهان ، شاهانه زرافشاندند و سود حاصل این پی‌گیریها ، بدست آمدن بیست ویك نسك‌اوستا بود .

این بیست‌ویك نسك ، گوهری درتارك داشت به‌نام گاثه ها ، سرودهای شکوهمند بزرگمرد دانای ایران، یعنی زرتشت .

سینه آویزی داشت رشته ازالماس های تراش دار خیره کننده‌یی به‌نام یشت‌ها، نمونه های سرودهای غنایی و غزل های هوش ربا . ویسنا ، سرود های دینی ، ـ و خرده اوستا ، ریزه نگارینی تازه چون گوهری بررویهٔ آن گوهر کهن .

در زمان ساسانیان برای گردآوری اوستا کوششی فراوان شد. این کوشش‌ها سودی که فراهم کرد ، اوستای بزرگ ساسانی بود . اما به موازات این تلاش پی‌گیـر ، دانشمندان بر آن شدندتا اوستای کوچکی نیز فراهم آورند تا پاسخ‌گوی نیازمندیهای نیایشی تودهٔ مردم باشد . به این معنی که دعایی یانیایش‌هایی فراهم کنند کـه از سرچشمهٔ اوستای قدیم سیراب باشد و دعاهایی را ارائه کند که در هنگام‌های‌گوناگون مردم بخوانند .

بدیهی وآشکاراست که برای نزدیکی‌به خداوند، برای نماز ونیایش ، ورازونیاز باخداوند ، وسیله‌یی لازم است واین وسیله جز سرود یا دعا یا نیایش نیست .

دراین زمینه نیزکوشش دین آگاهان سودی فراراه دین‌گرایان کرد و آن اوستای کوچك یا خرده اوستا بود

که دعاها و نیایش‌های گوناگونی را دربردارد. نامی‌ترین این نیایش‌ها پنج سرود است برای پنج عنصر بزرگی که اهورا- مزدا برای آسایش و بهره‌یابی مردمان آفرید. این پنج آفریده عبارتند از : مهر و ماه و خورشید و آب و آتش.

ایرانیان از دیرباز عناصر را بدیدهٔ احترامی ژرف می- نگریستند. زرتشت نیزهرچند دررستاخیز خود زیاده‌روی و غلو در نیایش را برای این عناصر که به پرستش می انجامید منع کرد، اما بااین حال تأکید در احترام این عناصر را که کارساز جهانند و اساس آفرینش؛ ابلاغ فرمود.

هنگامی که دینداری ماه رانیایش می کند، درواقع اهورامزدارا ستایش می‌نماید. یاوقتی که مهرو خورشید و آب و آتش نیایش می‌شوند، آفریده های سودرسان و نیک خداوند هستند که بزرگداشت می‌شوند.

از سویی دیگرمیان نیایش وستایش تا پرستش فاصلهٔ بسیاری است. پرستش ویژهٔ خداوندگار «اهورامزدا»ست. ستودن برای امشاسپندان وایزدان است - ونیایش وسیله‌یی است ازبرای پرستش وستودن.

درنیایش‌ها می‌گوییم : پرستش است ویژهٔ اهورا- اهورامزدایی که آن خورشید درخشان را آفرید وماه را و آب را و آتش را.

باری درزمان ساسانیان کتاب یامجموعهٔ خرده‌اوستا که گردآورده‌یی ازادعیه بود فراهم گشت. دراین مجموعه پنج نیایش وسروش باج گردآوری و برگردان فارسی شد. باشد تا مورد توجه واقع شود.

می‌ستایم خورشید را که آفریدهٔ اهورامزداست

خورشید نیایش

پیروز و فرخنده باد خورشید درخشان، خورشید بی‌مرگ؛ وخورشید تیزاسب.

بااندیشه وگفتار وکردارنیک، به‌سوی خورشیدروی کرده ومی‌ستایمش. ای اهورامزدا، خورشید درخشان

تیز اسب‌را می‌ستایم که آفریدهٔ توست.

و ستایش برشما بادهمگان ــ ای‌امشاسپندان که به سان خورشید، شکوهمند هستید. منم‌رهرو راه‌اهورامزدا، که درخشش روشنایی‌خورشید ــفروغ اوست، ــ ومنم بر افگننده وخوارکنندهٔ انگره‌مینو ــ واین است‌راه پارسایان، راهی‌که اندیشهٔ‌نیک، گفتارنیک وکردارنیک را می‌آموزد.

منم‌ستایندهٔ نیک‌اندیشی ونیک‌گفتاری ونیک‌کرداری باهمهٔ‌جان وروان، ــ منم‌گریزنده از بداندیشی و بدگفتاری وبدکرداری، باهمهٔ جان‌وروان. اکنون سرود می‌خوانم و نیایش می‌کنم برای شما ای امشاسپندان، و پیش‌کشتان می‌کنم اندیشه وگفتار وکردارنیک را.

می‌پرستم اهورامزدارا، وستایش می‌کنم‌امشاسپندان ومهر ایزدراکه دارندهٔ دشت‌های فراخ است، و خورشید تیزاسب درخشان‌را، وستایش می‌کنم روان آفرینش‌را و کیومرس‌انسان نخست‌را ــ ومی‌ستایم آن‌فروهر پاک‌زرتشت را ــ وستایش من‌باشد برای‌همهٔ آفریده‌های نیک وپاک که بودند وهستند وخواهند بود

برگزیده‌ام راه راستی‌را، راه‌نیک اندیشی‌را، و آن

راه نیرومندی را ـ اکنون در پرتو این گزینش ، ای‌مزدای بزرگ، مرازندگی بهی‌بخش، ودر واپسین‌یاریم کن . اینك دست‌هارا به‌سوی خورشید ، آن درخشان‌ترین برمی آورم وسرودگویان می‌ستایمش .

برایش سرود می‌سرایم ، برایش سرود می‌خوانم ، این چنین : ـ

خورشید جاودان تیزاسب را می‌ستایم که دارندهٔ دشت‌های فراخ است . خورشید را می‌ستایم که زرین و درخشنده است ، که نام‌آور ، ودارندهٔ هزارگوش وده‌هزار چشم می‌باشد، که بی‌خواب ،همیشه بیدار، شاه‌همهٔ کشورها تیرنگر و زیبا وبازیب وفروبلند بالاوخوش‌پیکر است .

اهورامزدا، میانهٔ ایزدان،اورا درخشان‌ترین بیافرید باشدکه‌به‌یاری‌ما درآیند، اهورامزدا وآن‌فروغ جاویدانش

ستارهٔ بارانزای تشتررا می‌ستایم ، که پیش آهنگ خورشید درآسمان است ،که تیزنگر و باشکوه و درخشان است .تشتررا می‌ستایم وستاره‌هایی‌را که‌گردش جای‌دارند وآن ستارهٔ‌دیگر ـ وننت‌مزدا آفریده‌را .

سپهر بی‌پایان را ستانیده‌ام ، وزمان بی‌کران را که

جام سپهر است . پاکی را می‌ستایم ، و دانش‌را که مزدا داده‌است ونمایانندهٔ راست‌ترین راه .

ستایشگر آیین بهی‌مزدا پرستی‌هستم ، می‌ستایم‌همهٔ ایزدان مینوی‌را، وهمهٔ ایزدان این‌گیتی‌را ـ می‌ستایم‌روان خودم‌را، وفروهرم را ـ وهمهٔ فروشی‌های پاکان وپارسایان را، وستایشم برای‌آن خورشید فروغمند بی‌مرگ تیزاسب باشد .

ستایشگرم‌آن‌خورشید جاودانهٔ تیزاسب را.می‌ستایم خورشید را پگاه ، آن هنگامی‌که زرینه پرتوش گیتی را درخشان می‌سازد . ایزدان بلندپایهٔ مینوی ، سدها و هزارها ازآن ایزدان ، آن ذرّه‌های روشن تابناك را که از چشمهٔ خورشید می‌تراود ، از سپهر بالا ، برزمین می‌گسترانند ، به‌زمینی که‌دادهٔ اهوراست.ـ واین نور که‌ازچشمهٔ خورشید بربستر بال ایزدان ، بربهنهٔ زمین سرازیر می‌شود ، تن و پیکر زمین‌را ازغبار تاریکی وآلودگی‌ها می‌شوید وگیاهان درجام خاك، این انگبینی‌را که ازچشمهٔ خورشید ره‌آورد شده می‌نوشند و می‌بالند .

واین روشنیِ زرین ـ پاك‌کننده است ، آن‌چنانکه

زندگی‌بخش می‌باشد . پاك می کند آب‌های روان وایستاده را : آب چاه‌ها ، کاریزها ، دریاها ، برکه‌ها و رودهارا .

و این خورشید زرینه بال تیزاسب بی‌مرگ را می‌ستایم ، که هرگاه رخ نمی‌نمود و تاریکی اهریمنی را که پیکر زمین را پنهان ساخته بود ، نمی‌زدود ، ـ دیوان آن چه راکه درهفت کشورهستی داشت به تباهی می کشیدند و ایزدان مینوی نیز توانایی نداشتند تا راه گیرشان باشند .

کسی که می‌ستاید خورشید را ، یا ریش می‌نماید تا در برابر تاریکی، تباهی دیوان و راهرنی دزدان نیرویی دوچندان یابد .

اوکه می‌ستاید خورشید را ، مرگ را از دروازهٔ زندگی خود می‌راند ، ستایش خورشید ، ستودن اهورا ـ مزداست ، ستایش امشاسپندان است و ستایش آن فروهر بلندپایهٔ خود . او که می‌ستاید خورشید بی‌مرگ تیز اسب را ، می‌ستاید همهٔ ایزدان مینوی سپهر بالا و زمین را .

ستاینده‌ام آن مهر ایزد را ، که دارندهٔ دشت‌های فراخ و گسترده است ، ـ که ده هزار گوش دارد ـ و ده هزار چشم ـ و اوست که جنگ ابزارش گرزی است

دیو افکن . با همهٔ جان می‌ستایم مهر ایزد را ، و دوستی و همگرایی را ، آن دوستی بی ریو و رنگ و بی آلایش را ، هم چونان دوستی‌یی که میانهٔ ماه است و خورشید.

زرینه پرتوش گیتی‌گستر است آن خورشید تابندهٔ بی‌مرگ تیزاسب . می‌ستایمش که اورنگ جهان است ، که فرّش پایانی ندارد . می‌ستایمش با همهٔ آیین های دین و با گفتار و کردار و اندیشهٔ نیك .

ستایشگرم آن مردان و زنانی را که نگاهدارندهٔ آیین و به جا آورندهٔ آیین های دین‌اند . آگاه است مزدا ـ اهورا ، آن بهترین ، از این شایسته ترین مردان و زنان درست‌آیین .

می‌ستایم مهرراکه آفریدهٔ اهورامزداست

مهر نیایش

برای خشنودی اهورا مزدا ، می‌ستایم او را با بهترین نمازها ، ـ وستایش ، ـ بلند آوازگی وپیروزی باشد برای مهرایزد ـ ایزدی که مینوی است وداور روز پسین که هزارگوش دارد و ده‌هزار چشم ودارندهٔ دشت های فراخ

است .

می‌ستایم مهرایزد را ، و درود وستایش می کنم ایزدی راکه دارندهٔ دشت های فراخ‌است ؛ که‌چراگاههای سبزگون وگسترده‌اش برگاهوارهٔ زمین آرامش بخش‌است وآسایش دهنده .

ستایشم پیش کش آن‌ایزدی که نگاهبان راست‌ترین گفتار است ، ـ که نیکویی هایش از شمار فزون است: ـ پیکرش برازنده وبلند و استوار . ـ وباهزار چشم ، بینای دورترین دورهاست ، ـ که همیشه بیدار وبی‌خواب است .

که چون نگینی زرین پیرامون کشور رافراگرفته، که نگاهبان پیمان هاست ؛ که هماره همه‌جا هست :ـ درددرون کشور وبیرون کشور وفراز وفرود آن .

می‌ستایم مهرایزدرا ، وآن اهورای بزرگ بی‌همتا آفرینندهٔ آنرا ، ـ می‌ستایم با آیین دین ، باشاخه هـای سبز برسم ـ ماه را ، وآن خورشیدرا ، ستارگان را ومهررا که سرور همهٔ کشورهاست .

می‌ستایم باهمهٔ جان ، آن ایزدی راکه شکوهمند است . ـ می‌ستایمش باآیین‌دین ، آن ایزدی را که‌دارندهٔ

دشت های سبزه رستهٔ فراخ است . که آسایش بخش و نگاهبان سرزمین ایران است .

می‌ستایم‌مهرایزد خوش پیکر نیرومند راکه هیچ‌گاه به‌دام فریب پای نمی‌افکند . می‌ستایمش که ره آوردما می‌سازد آن بهترین بخشش‌های اهورایی را : ـ آزادی و به‌روزی ورهایی در داوری وتندرستی و پیروزی وپاکی و پارسایی .

من می‌ستایم ـ می‌ستایـم آن ایزد فرازین پـایگاه گرفته‌را ؛ باهمهٔ‌جان و نیرومی‌ستایم آن نیرومندترین وسود رسان‌ترین ایزد را با آیین های دین ، با سرود های دل ـ انگیزازجان خاسته که بابهترین گفتارهای آیینی بهم آمیخته ـ این‌همه‌رابرای ایزدمهر که دارندهٔ دشت های‌فراخ‌است .

ومزدا ـ اهوراست که همه آگاهی از کردار های راستین ستایشگرانهٔ مردم دارد ، ـ وپاداش اهورایی از آن زنان ومردانی است که نگاهداری آیین‌های دین‌شان ، و ستایش آنان برای مهرایزد به‌راستی ودرستی باشد.

می‌ستایم‌ماه راکه‌آفریدهٔ اهورامزداست

ماه نیایش

پیروز و فرخنده باد گردونهٔ زیبای ماه .پیروز و فرخنده باد وُهومَنَهْ ، آن امشاسپند بلند پایه ، و آن‌ایزدان ستایش شده : ماه و گوش و رام .

ستایش از برای امشاسپندان و ایزدان ، و پرستش

ویژه از برای اهورا مزدا . می‌ستایم ماه را میانهٔ سپهر بی‌پایان ـ هنگامی که پدیدار شود ، می‌ستایم ماه را میانهٔ آسمان هنگامی که به‌گونهٔ گوی درست درآید.

برای خشنودی اهورا مزدا ، می‌سرایم بهترین سرودهای دین راکه : پیروم آیین مزدا پرستی را ، آن آیینی که آوردهٔ زرتشت است ؛ ـ آن آیینی که پیکارگر است با دیو پرستی ، ـ و آن کیشی که می‌آموزد ستایش و بزرگداشت همهٔ جانوران سود رسان را .

با زبان جان می‌سرایم سرودهای پرستش را برای اهورا مزدا ، و سرودهای ستایش را برای امشاسپندان و ایزدان .

، ـ و ستایش ویژه‌ام باشد برای ماه ، ماه گوی ـ چهره ، سرود می‌گویم چون در آسمان پدیدار شود . سرود می‌گویم هنگامی که به میانهٔ سپهر پر شود . چون پدیدار شود کمانی باریك است ، پس روزهایی نیرو می‌کند ، تا این کمان پر شود ، یك نیمه ، و آنگاه دو نیمهٔ بهم آمده ، چون‌یك گوی تمام . از آن پس ازگوی تمام‌کاسته می‌شود ، روزهایی می‌گذرد تا دگر بار همان

کمان‌نازك شود. دو زمان برابر: پانزده روز کمان‌نخستین گویی‌تمام می‌شود ، وپانزده روزگویِ تمام‌به‌کمان نخستین دیگرگونی می‌یابد . ای اهورا ، پرستشگرم تو را ، که این چنین خواستت روان است ؛ و کیست جز تو که این چنین کند ؟ .

ای اهورا مزدا ، می‌ستایم این ماه گوی مانند راکه آفریدهٔ‌توست، که نمایانگه پاکی و زیبایی است . می‌نگرم روشنایی سپید گونه و نوازشگر آن را ، که چه سان امشاسپندان از سپهر بی‌کران به زمینش می‌گسترند ، به زمینی که آفریدهٔ اهوراست ، ـ و این روشنایی چون بر بسترزمین می‌تَنَد ، گیاهان را می‌بالاند و می‌رویاند وبه زمین جامهٔ زیبای سبزگونی می‌پوشاند.

می‌ستایم این گوی روشن آسمان را . برای شکوه و فَرّش . برای فرخندگی وزیبائیش. سرود ویژهٔ نیایشش را می‌سرایم با زبانِ جان ؛ در سه‌گاه : ـ به هنگامی که چون کمانی در سپهر پدیدار شود ، به‌هنگامی که این کمان پر شود ؛ و زمانی که مانند گویی تمام در پهنهٔ بی‌کران سپهر ، دیدگانم را روشن کند . می‌سرایم ترانهٔ ویژهٔ

نیایشش را این چنین :ـ

ستایشگرم آن گوی روشنِ پاك را ـ که به همه چیز زیبایی و تازگی می‌بخشد ، ـ که سپیدگون روشنی‌اش گیاهان و درختان را برویاند و ببالاند و سبز و تازه گرداند، که دانش و خواسته را بیفزاید و روشنایی‌اش بیمارگونگی را از تن و روان بزداید.

ستایش باد ماه را ، آن پیروزمند نیرو زای روشنگر را ، ـ و پیروزی و پایندگی باد جاندارانِ سود رسان بهره دهنده را .

ستایشگرم ماه سود رسان اهورا آفریده را . خواستارم که به بخشایی ما را تندرستی و دیر زیوی ، نیرومندی و پیروزمندی ، ـ نیروی پایداری را در ما برانگیز ـ و تو که بخشاینده‌یی دارندگی و خواسته را ، چارپایان ما را در رمه‌ها انبوه‌گردان . در خانه هایمان پسران و دختران ستبر سینه و بلند بالا و زیبا را فزون گردان ، تا نیرومند باشیم و در پیکار زندگی پیروزگر ، نه‌بخت برگشته .

تو ای ایزد بلندپایه ـ و شما ای همهٔ ایزدان اهورا

آفریده ـ ترانهٔ ستایشِ ما را با آوایمان بشنوید ، و ستایندگانِ نیکی را پیروز بخت سازید.

ستاینده‌ام ماه ایزد روشنگر را ، با همهٔ آیین‌های دین :ـ با شاخه‌های سبزه گون بَرْسَمْ در دستی و شیرهٔ هومِ با شیر آمیخته بر دیگر دست ، و ترانهٔ ستایش و سرودِ ویژه بر زبان .

و مزدا ـ اهوراست که همه آگاهی از کردارهای راستینِ ستایشگرانهٔ مردم دارد ، ـ و پاداشِ اهورایی از آنزنان و مردانی است که نگاهداریِ آیین‌های دینِ شان، و ستایشِ آنان برای مهر ایزد به راستی و درستی باشد.

می‌ستایم آب راکه آفریدهٔ اهورا مزداست

آب نیایش

ستایش می کنم تورا، ای اَرِدْوِیسور اناهیتــا. می ستایم تورا که نمایانگاه همهٔ آبهای پاك ودرخشانی. ونمازت می‌گزارم برای خشنودی اهورا مزدا که آفریده‌اش هستی بپرستیم اهورامزدای فرهمند و روان اراده را ، ـ

وبستاییم همهٔ آب های پاك راکه دادهٔ اهوراست، وآن ایزد بزرك راکه آبهایِ مزدا داده را زیرگام دارد وسرپرست است ـ وبستاییم همهٔ امشاسپندان را، وایزدانِ مینویِ سپهر منش وگیتی‌منش را ـ فْرَوَهَرهایِ پارسایان راکه نخستین گروندگان آیین بودند، ـ وزرتشت را وخاندانش را.

ستایشگرم آبِ پاكِ سودرسانِ زندگـی ساز را.

ستایشگرم آن اَرِدْوِیسور اناهیتارا، آن نگاهبانِ شایستهٔ آب ـ های نیالودهٔ گیتی را، ـ وآن آب پهنه گستر زمین راکـه سازندهٔ زندگی است، که چشمهٔ زایندهٔ نیروست ازبرای تندرستی، ـ که چون فروریزد دیوان را نابودسازد، وچون روان شود، ناپاکیها وآلودگی هارا نیست گرداند.

اینك بستاییم اَناهیت را، ایزدبلندپایهٔ شایسته را، که درپهنهٔ سپهرجای دارد، که دربسترزمین روان می‌شود، کـه نیرومی بخشد تن را وروان را، که جنبش وزندگی می دهد گیتی را، می‌رویاند گیاهها وسبزه‌ها را، که بدان گله‌ها ورمه‌ها افزایش می یابند، که خواستهٔ مردمان افزون می گردد؛ که کشور آبادان ونیرومند می‌شود.

بستاییم ایزدبغبانو اَناهیت را، که نگاهبان زنان است

ودربه سازی نژادکارسازاست .که نیروی سازندهٔ زندگی را درمردان پاك می کند، ودرخورمی سازدتادر درون زنان بارورشود.

ستایش کنیم ایزدی راکه درد زایش رادرزنان می کاهد،که سینه‌های زنان زاینده را پرشیرمی‌سازدکه چشمهٔ زندگی است برای کودکان‌نوزاد. وستایشمان برآن‌ایزدی که بزرك است، بزرك وپاك؛ چونان همهٔ‌گیتی که ازفرازین گاه بلندیهای زمین روان باشد.

بستاییم آن ایزد توانمند اهوراآفریده را_ که سُترك است، سترك چون همهٔ آبهای‌ناآلوده‌وپاك که‌ازابرهاسرازبر شده وبرسینهٔ زمین چون رودها وچشمه سارها ودریاها و دریاچه‌هاآرام یافته‌اند. آرام درزمین‌های هفت‌کشور _ و می‌پیرایند زندگی بالنده را، پاك می کنند نهاد مردان را، وزنان را ، وتو انسان می نمایند شیرزنان را.

سرود پرستش سراییم برای اهورا مزدا_ وبستاییم آب زندگی ساز رادرپیکرهٔ ایزدی چون‌آناهیتا_ که میراند آبهارا دربسترهاشان برسینهٔ زمین، چونان رگ‌های پرخون زنی جوان _ آب‌هایی که روانند درزمستان وتابستان.

باشدکه فروَشی‌های پاکان، همهٔ پاکانی که‌درگذشته بوده‌اند، گروهی که زاده شده‌اند وهستند_ و فروَشیان‌زاده نشده‌یی که درآینده خواهند بود، با توانمندی سرمدی یارمان شوند و آبهای زندگی ساز راهماره در بسترشان را هموار کنند.

کارسازی آب‌نیالودهٔ‌اهوراآفریده، به بداندیشگان و بدگفتاران‌وبدکرداران درنگیرد. سودش وابستهٔ بدخواهان ونیکان وپویندگان راه راستی‌نشود.

آب، این آفریدهٔ‌نیك‌ترین‌اهورایی، گره‌گشای‌این کسان نشود: _ آنانیکه جانداران سودرسان راگزندکنند، آنان‌که باآزمندی خواستهٔ دیگران را بربایند _ یا مردان رابکشند_ یا جادوسازند _ یا پیمان شکنند ودروغ‌گویند_ یاستمگری پیشه کنندیا درویی‌ورشك وارگی کنند _ وبدفرجامی باشد برای همهٔ‌آن کسانی که این چنین‌اند.

می سرایم سرودهای دلکش را برای آبهای پاك توانسان زندگی ساز، سرودهایی که سپاسگزاری بندگان را بازگویدبه‌آن اهورای‌بی همتا _ وآن زرتشت‌گوهرین سرشت‌که راهبرِیمان‌کرد به ستایش درست.

ای ایزد پاک، ای اناهیتا- سرود می‌گویم تو را که آفریدهٔ اهورایی. پیش‌کش می سازم شایسته‌ترین کردار-های بجا آورده شده‌را - وبازبان جان‌می سرایم این سرود را:

خواهانم آن برترین را، تندرستی و بی آهوی در پیکر را- خواستارم آن چیزها را که به‌زندگی می بخشند شکوه و آسایش، که‌گله ورمه‌ام انبوه شوند، درخانه و کاشانه‌ام شادمانی و پرخواستگی ریشه‌گیرد. فرزندانی زیبا پیکر و نیرومند داشته‌باشم. و این همه را خواهانم نه‌برای بیراهگی رفتن وزیان رساندن دیگران؛ خواستارم برای بزرگداشت زندگی- و کامیابی‌درست از این بهترین دادهٔ اهورامزدا.

دست هایم فرا روی پیکرم، وفراسوی پهنه‌گاه نیلگونهٔ آسمان است. ای اهورای بی‌همتا به‌بخشای به‌ما همهٔ نیکی‌ها و آسایش‌ها وسودها را .

ای امشاسپندان، وایزدان وفر و شیان- فرا راهمان سازید آن نیکوترین داده های اهورایی را - وبپذیرید این سرودها را وتوانمندمان سازیدتا نگاهبان باشیم بهترین آیین راستی را.

می‌ستایم آتش را که آفریدهٔ اهورا مزداست

آتش نیایش

ستایش پاک تورا باشد ، ای آتش پاک گهر ، ای بزرگترین بخشودهٔ اهورا مزدا ، - ای فروزه‌یی که در خوری ستایش را .

می‌ستایم تورا ، که درخانهٔ من افروخته‌یی ،سزاواری

ستایش و نیایش‌را .

برابرِ تو می‌ایستم برای نیایش باهمهٔ آیین های دین : - به دستی بَرْسَم - وبه دیگردست چوب خوش بوی خشك که زبانه‌اش روشن ، وسوزشش بپراکند بوی خوش را ، وتوای سزاوار ستایش بهره‌مند شوی از درخشندگی آن به‌هنگام سوختن وبویِ خوشِ آن .

به‌نگاهبانیِ تو ، بایستی پارسایی آراسته و بادانش وهنگ‌گماشته باشد ، که به‌سراید برای تو این ترانه را :-

توای آتش اهورا مزدا، توای جلوه‌گاه آن‌بزرگترین سزاوارِ ستایش، فروزان باش دراین خانه ، همواره‌پرتوت بازبانه‌های سرخ فام رخشنده باشد دراین خانه ، همیشه ؛ و همیشه ، تازمانِ بی‌پایان .

توای ایزدی که نزدیك ترینی به اهورا ، کام ها و خواست های مارا برآورده سازد . آرزوهایمان راکه از زبان برمی‌آید ، بازبانهٔ آسمان سایت هم‌بسترساز تاکامیار شویم :

آرامش و آسودگی‌راپیش کش ماساز :- آسودگی‌در زندگی ، فراخی در روزی ، پاکی و استواری در دین ،

گفتاری رسا و آوایی خوش ، وازپسِ آن دانش ، دانشی که به سوی زندگیِ خوش وبهتری راهبرمان‌گردد .

به بخشای به‌ما بهترین رفتار وکنش‌را :- که دلیر و پیکارنده ونیرومند باشیم ، که بافرهنگ باشیم ،که در نور دانش راه سپریم ، - که در خانه هایِ ما فرزندانی زورمند وزیباپیکر وگویا ورزمنده درراه کشور ، با هوش و دانش - و اندیشه وگفتار وکردارنیك زاده شوند ؛- که دریابند خانه وخانواده ودهکده وکشور مارا .

ای ایزدِ بزرگ ، مارا همواره دریاب، به بخشای‌به ما آنچه‌راکه کامیاری دهد ، آنچه‌راکه رستگاری دهدوبه روزی وبه‌زیستی آورد . بهره‌مندکن‌مارا از بهترین زمین‌ها که در آن خانه‌های پرآسایش برپاسازیم ، ودریاب روان مارا که آرامش داشته باشدوراهِ پاكِ پارسایی را بسپریم .

در مهرابِ خانواده،درآتشگاهِ آتشکده- آتش‌روشن وتابندهٔ اهورایی زبانه می‌کشد . نیایشگران به درگاهش سرود می‌خوانند - واو خواستار است تابهترین چوب خوشبوی وخشك‌را بربسترش نهند ودرودش گویندبابرسم دردست گرفته وهوم آمیخته به‌شیر .

آن‌گاه است که نیایش کنندگان ، به‌گوش جان
می‌شنوند آوای آرامش بخشِ آتش‌راکه :

برخوردار باشید از خواسته و دارندگی . دشت هایتان‌پرباشد ازانبوهِ گله‌های گاووگوسپند ؛ چونان زمین هایی‌که برسینه‌گاهشان از درختان وگیاهان ـ بیشه‌های انبوه پیداشده .

برخوردار باشید ازاندیشه‌یی روشن وهوشی زیاد ـ وآزادگی وسرفرازی ـ و نیرومندی و دلیری . برخوردار باشید از دشت های انبوه وبهره دهنده ـ واز خانه های گسترده وزیبا وپرآسایش که آوای فرزندان دلیر ازآنها برخیزد، که آرامش بخشد شمارا ، وکشوررا.

چون نیایش کنندگان ، این‌چنین‌شنیدند باگوشِ جان، آفرینِ ایزد بلندپایه‌را ، برای واپسین بار ، نیایش‌می کنند، این‌چنین ـ:

درود وستایش به تو ، ای‌آتش اهورامزدا. می‌ستایم این‌روشنیِ پاك ودرخشان را ، اینك‌که به‌ما آشکاری ، توان ونیرویمان بخشای تابهترین اندیشه وگفتار و کردار

راداشته‌باشیم .یاریمان ده‌که‌بابدی وزشتی‌ودروغ پیکارکنیم روان مارا پالوده‌گردان از بدی وراه بی‌فرجامی‌تاشایستهٔ پرستشِ اهورای بزرگ باشیم ،

سروش باج

سروشِ پاك را ستایش می‌کنم ، که نیرومند است و جنگ افزارش کلامِ پاكِ اهورا آفریده می‌باشد .

و مرا پاسخ گویید ای دین آگاهان که نیرومندی سروش چگونه است ؟

تو را پاسخ می‌گوییم ـ ای پویندهٔ راستی ، ـ

همان‌گونه نیرومند است که یك پارسای‌دین آگاه به‌موجب پاکی و پارسایی اش نیرومند است .

اینك ای مزدا ، جز نیایش و نام تو ، جز روشنایی راه‌تو ، آن کیست که‌مرا نگاهبانی خواهدکرد از دروغ‌گو و برانگیزانندگان دیو ؟ ـ ای اهورا ، مرا آگاه گردان ، آن کیست که برانگیختهٔ توست و ما را رهایی می‌بخشاید از دُرُوَندان ؟ ـ آری ، مرا آگاه گردان ای اهورا ـ و برای او می‌خواهم که نیك‌اندیشی و کامیابی فراگیردش.

اینك ای مزدا ، خواست مرا بر آور . پیکرمان را پیمانهٔ دوستی ومهر و راستی‌گردان . دروغ و دروغ‌گوی، دیو و دیو پرست را از ما دور کن ، نابود و نیست‌شان گردان و راستی‌و درستی و پاکی را پیروز گردان.

ستایش باد بر سروش ، که پاك‌است ، نیرومنداست و جنگ افزارش کلام پاك اهورا آفریده می‌باشد.

اینك ای اهورا مزدا ، برای رهروان راه تو می‌خواهم:ـ بر آنان باد فر و بزرگی، بر آنان باد تندرستی و شادکامی ، بر آنان باد پایداری و به‌زیستی ، بر آنان باد خواستهٔ فراوان ، بر آنان باد فرزندان دلیر و پهلوان و

ناماور، بر آنان باد زندگانی دراز؛ و بـر آنان بادشایسته ترین مقام راستان، و هزاران بار تندرستی و شادکامی.

می‌ستایم تو را، ای اهورا، و این آسمان پهناور و زمین گسترده و همهٔ آفریده‌های نیک را.

سرمایهٔ جاویدان

جوان ناکام فریدون رستم خسروی که درامریکا به کسب علم و دانش مشغول بود ناگهان درگذشت.

جاوید آنکه نام نیکی از خود باقی – و سعادتمند آنکه نقشی بر صفحهٔ زرین روزگار به یادگاری جاویدان باقی‌گذارد.

روان شاد فریدون خسروی از آن جمله بود، و خانوادهٔ نیک‌اندیش و روشن فکرش سهمی بزرگ از این خوشبختی دارند که بااختصاص سرمایه‌یی به منظور تألیف و انتشار کتابهای سودمند چنین یادگاری نیکو برای او سرمایه‌گزاری کرده‌اند.

هزینهٔ چاپ این کتاب از تنخواه‌گردان سرمـایهٔ جاویدان خسروی تأمین شده که نامش را جـاویدان و خانواده‌اش را شادمان خواهد ساخت.

سازمان فروهر